



## بررسی دلایل بطلان معامله ی مردار از منظر شیخ انصاری (ره) و امام خمینی (ره) و محقق خوئی (ره)

سجاد درزی

طلبه پایه ی دهم مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

### چکیده

یکی از موارد عین نجس که فقیهان امامیه درباره ی حکم خرید و فروش آن بحث نموده اند مردار است، آنچه که در میان بزرگان امامیه مشهور است، تحریم و بطلان معامله مردار می باشد همانگونه که شیخ انصاری در ابتدای بحث از آن می فرماید اما در انتهای بحث می فرماید انصاف این است که در صورتی که قائل به جواز انتفاع محلله مقصوده از پوست مردار باشیم، مجرد نجاست صلاحیت ندارد تا علت منع بیع باشد، محقق خوئی نیز بعد از آن که در سند روایت تحف العقول و روایت صیقل مناقشه می کند و سایر روایات مجوز را نیز ضعیف می داند، در نهایت قائل به حرمت معامله مردار می گردد مگر در صورتی که به کسی مانند اهل کتاب که مردار و گوشت آن را حلال می دانند فروخته شود اما مرحوم امام خمینی پس از آن که روایت صیقل را از لحاظ سندی قبول کرد آن را بر روایات مانع مقدم دانست و معامله مردار به قصد منفعت محلله را جایز و در صورتی که به قصد اکل و انتفاعات حرام باشد حرام و باطل دانست.

**کلید واژه:** معامله مردار، بطلان، حرمت، مالیت



## ۱- مقدمه

یکی از مسائل مهم که از دیرزمان در میان اندیشمندان فقه امامیه مورد بحث واقع شده است و ابتلاء آن خصوصاً در زمان ما در حوزه های مختلف غیر قابل انکار است بحث از حکم معامله مردار و اجزاء روح دار آن می باشد که آیا بیع و معامله ی آن جایز است یا خیر؟ اهمیت بررسی این بحث زمانی معلوم خواهد شد که بدانیم امروزه خرید و فروش مردار و اعضای بدن انسان به دلایل مختلف خواه برای تشریح و یا برای پیوند، رواج فراوانی دارد و نه تنها در بحث پزشکی بلکه در سایر صنایع دیگر مانند خوراک سازی دام و طیور و آبریزان بسیار رونق داشته است و در صورتی که در این بحث قائل به حرمت باشیم تمامی این معاملات دچار مشکل خواهد بود.

این مسئله از گذشته مورد توجه علماء اسلام بوده است که در مورد آن مباحث بسیاری از آنها به یادگار مانده است از جمله بزرگانی که در تالیفات خود این مسئله را مطرح کرده اند مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) است که در کتاب مکاسب محرمة خود به آن پرداخته است.

آنچه معروف بین فقهاء شیعه در این مسئله می باشد حرمت معامله مردار است همانگونه که شیخ انصاری نیز در ابتدای بحث خود در کتاب مکاسب به آن اشاره می کند و می فرماید در کتاب تذکره و منتهی و التنقیح الرائج و از رهن الخلاف ادعای اجماع شده است (انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۰) سپس ادله ای که بر حرمت معامله ی مردار اقامه شده که عبارت است از حرمت انتفاع از مردار به ضمیمه ی اشتراط وجود منفعت مباحه در مبیع و روایات عامه و خاصه را بیان می فرماید و سپس به بررسی تفصیلی آن ها می پردازد ما نیز ابتدا ادله قائلین به حرمت را بیان کرده سپس دیدگاه شیخ انصاری و امام خمینی و محقق خوئی رحمه الله علیهم را بیان می کنیم.

## ۲- دلایل بطلان خرید و فروش مردار

فقیهان امامیه در مجموع چهار دلیل را برای بطلان خرید و فروش مردار ذکر کرده اند که در این مجال جداگانه به بررسی و تحلیل دقیق این موارد می پردازیم.

## ۱-۲-۱- اجماع

یکی از دلایلی که برای اثبات حرمت معامله مردار به آن استناد شده است اجماع امامیه بر حرمت معامله ی آن است، همانطور که این اجماع را علامه حلّی و فاضل مقداد نقل کرده اند. (رک، علامه حلّی حسن بن یوسف، ۱۴۱۴، ج ۱۰ ص ۳۱ و فاضل مقداد مقداد بن عبد الله، ۱۴۰۴، ج ۲ ص ۵) اما باید به این نکته توجه داشت که نمی توان از این اجماع به عنوان یک دلیل مستقل استفاده نمود چرا که این اجماع یقیناً مدرکی و یا اینکه محتمل المدرک است و بر پایه استناد به بعضی از روایات شکل گرفته است که در بحث وجود دارد پس این اجماع تعبدی نیست و اصالتی ندارد و نمی تواند معتبر باشد (رک، خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۷، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۶۷) اما اگر کسی اجماع مدرکی را حجت بداند از این جهت اشکالی بر او وارد نخواهد بود



همانگونه که شیخ انصاری نیز بارها در موارد اجماع مدرکی به اجماع استناد کرده است و در این مسئله نیز اجماع را به عنوان یکی از ادله ی حرمت بیع مردار می شمارد. (رک، منافی، سیدحسین، ۱۳۹۹، ص ۳۶۵ و انصاری مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲)

### ۲-۲- عدم مالیت مردار

شیخ انصاری در کتاب مکاسب محرمه پس از نقل اجماعات موجود در مسئله، عدم مالیت مردار را به عنوان یکی از دلایل حرمت معاوضه ی آن مطرح می کند با این بیان که از آنجایی که مردار قابلیت انتفاع را ندارد، این امر موجب عدم مالیت آن می شود و معامله چیزی که مالیت ندارد حرام است زیرا مصداق اکل مال به باطل خواهد بود (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱) اما در مقابل ایشان امام خمینی (ره) در کتاب مکاسب محرمه خود پس از ذکر روایات وارده درباره ی حرمت انتفاع مردار و همچنین روایات وارده درباره ی جواز انتفاع از میته می فرماید حمل روایات دال بر جواز انتفاع بر تقیه فرع وجود معارضه بین این دودسته از اخبار است و با وجود امکان جمع عقلایی دیگر حمل بر تقیه دلیلی ندارد و مالیت برای مردار در مواردی که منافع محلله ای برای آن متصور باشد ثابت است (خمینی، روح الله، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۴) اما محقق خوئی (ره) اصلا مالیت عوضین را شرط نمی داند، طبق نظر ایشان اینکه گفته شود بیع یعنی مبادله مال بمال صحیح نیست، بلکه در عوضین معامله همین که طرفین غرض صحیح عقلایی دارند کافی است مانند لباس پاره ای که از پدری به یادگار مانده است و یکی از ورثه آن را از بقیه وراثت می خرد، زیرا ما فقط دلیل داریم طرفین معامله نباید سفیه باشند لیکن دلیل بر بطلان بیع سفیهانه نداریم. (رک، خوئی سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸، ج ۳۶، ص ۱۸)

### ۲-۳- نجاست مردار

دلیل دیگری که برای بطلان معامله مردار اقامه شده است نجاست آن است همانگونه که علامه حلی در کتاب تذکره خود در فصل چهارم از مقصداول درباره شروط عوضین که ازارکان عقد هستند می فرماید در معقود علیه طهارت اصلیه شرط است و اگر شخصی چیزی که عین نجس باشد مانند خمر و میته را بفروشد اجماعا در نزد امامیه صحیح نخواهد بود (رک، علامه حلی حسن بن یوسف، ۱۴۱۴، تذکره الفقهاء، ج ۱۰ ص ۲۵) اما آنچه که در این باره محل بحث میان بزرگان فقه امامیه است این است که آیا نجاست به تنهایی میتواند علت برای حرمت معامله ی مردار باشد یا خیر؟ بنا بر نظر هیچکدام از این سه بزرگوار نجاست علت مستقل برای حرمت معاوضه مردار نیست چرا که مرحوم امام خمینی و محقق خوئی قدس الله اسرارهما هیچکدام سند حدیث تحف را قبول ندارند (رک، خمینی، روح الله، مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۹ و خوئی سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۳۵، ص ۶) و شیخ انصاری نیز در مکاسب محرمه می فرماید که انصاف این است که در صورتی که قائل به جواز انتفاع محلله مقصوده از پوست میته باشیم، مجرد نجاست صلاحیت ندارد تا علت منع بیع باشد. (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱)



#### ۴-۲- روایات عام

دلیل دیگری که بر حرمت معامله ی مردار اقامه شده است روایات عامی همچون حدیث تحف العقول و روایت دعائم الاسلام و مشهوره نبوی است که از معصومین سلام الله علیهم صادر شده است که دلالت بر این معنا دارند که هرامری که در آن وجهی از وجوه فساد باشد و از آن نهی شده باشد یا چیزی از نجاسات باشد خرید و فروش آن حرام خواهد بود لکن تنها کسی که سند آن ها را می پذیرد مرحوم شیخ انصاری است اما مرحوم امام خمینی و محقق خوئی (ره) سند این روایات را مخدوش می دانند. (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱ و خمینی، روح الله، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۹ و خوئی سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۳۵، ص ۶)

#### ۵-۲- روایات خاصه

اما اصلی ترین دلیل برای اثبات حرمت وضعی معامله مردار، روایات خاصی است که با دسته ی دیگری از روایات که دلالت بر جواز معامله ی مردار می کند تعارض دارد به همین خاطر برای برطرف کردن این تعارض ابتدا برخی از روایات را ذکر می کنیم.

#### ۱. روایات مانعه

(الف) مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلَ مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ صَاحِبِ الرِّضَاعِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الْغَنَمُ يَقْتَعُ مِنْ أَلْيَاتِهَا - وَهِيَ أَحْيَاءٌ أَوْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِمَا قَطَعَ - قَالَ نَعَمْ يُذَيِّبُهَا وَيُسْرِجُ بِهَا وَ لَا يَأْكُلُهَا وَ لَا يَبِيعُهَا (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۹۸)

محمد بن ادریس در آخر سرائر به نقل از جامع بزنتی صحابی امام رضاعیه السلام می گوید: از حضرت درباره ی مردی سوال کردم که گوسفندانی دارد و دنبه هایشان را در حالی که زنده هستند می برد، آیا صلاح است تا از آن استفاده کند؟ حضرت فرمودند: بله آن را ذوب می کند و با آن چراغ روشن می کند و نباید آن را بخورد و نباید آن را بفروشد. در این روایت حضرت تصریح می کند که اجزاء مردار نباید مورد بیع واقع گردد.

(ب) عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السُّحْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ - وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحَكْمِ وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ. (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۹۳)

علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از نوفلی از سکونی از ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: سحت و حرام ثمن میته است و ثمن سگ و خمر و مهرزنا و رشوه ی در حکم و اجرت کاهن و جادوگر که در این روایت نیز حضرت از ثمن مردار تعبیر به سحت می کند که ظهور در حرمت دارد.





ج) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ عَاجِرُ الزَّانِيَةِ سُحْتُ - وَثَمَنُ الْكَلْبِ الَّذِي لَيْسَ بِكَلْبِ الصَّيِّدِ سُحْتُ - وَثَمَنُ الْخَمْرِ سُحْتُ - وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ سُحْتُ وَ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ سُحْتُ - فَأَمَّا الرَّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۹۴) در این روایت نیز حضرت علیه السلام از ثمن مردار تعبیر به سحت می کند که ظهور در حرمت دارد.

د) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَاشِيَةِ تَكُونُ لِلرَّجُلِ فَيَمُوتُ بَعْضُهَا - يَصْلُحُ لَهُ بَيْعُ جُلُودِهَا وَ دِبَاغُهَا وَ لَبْسُهَا - قَالَ لَا وَ لَوْ لَبِسَهَا فَلَا يُصَلِّ فِيهَا. (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۹۶) در این روایت که از علی بن جعفر نقل شده که می گوید از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی گله ای که برای مردی بوده و بعضی از آن مرده است سوال کردم که آیا می تواند پوست هایشان را بفروشد و دباغی کند و بپوشد؟ حضرت فرمودند: خیر و اگر بپوشد در آن نماز نخواند که ظهور در این دارد که بیع پوست و جلد میده جایز نیست. ۲. روایات مجوزه

چندین روایت وجود دارد که بر جواز معامله ی مردار دلالت می کند اما از آنجایی که مهم ترین روایتی که می توان با استناد به آن جواز معامله مردار را ثابت کرد روایت محمد بن عیسی از ابوالقاسم صیقل و فرزندش هست به ذکر همین روایت به تنهایی بسنده می کنیم چرا که آنچه که مهم است حل تعارض موجود بین دودسته از این روایات است.

و يَأْسَدُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الصَّقِيلِ وَ وَادِهِ قَالَ: كَتَبُوا إِلَى الرَّجُلِ عَاجِرًا جَعَلْنَا اللَّهُ فِدَاكَ إِنَّا قَوْمٌ - نَعْمَلُ السُّيُوفَ لَيْسَتْ لَنَا مَعِيْشَةٌ وَ لَا تِجَارَةٌ غَيْرَهَا - وَ نَحْنُ مُضْطَرُّونَ إِلَيْهَا - وَ إِنَّمَا عَلَا جُنَا جُلُودَ الْمَيْتَةِ - وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ الْأَهْلِيَّةِ لَا يَجُوزُ فِي أَعْمَالِنَا غَيْرَهَا - فَيَحِلُّ لَنَا عَمَلُهَا وَ شَرَاؤُهَا - وَ بَيْعُهَا وَ مَسْهًا بِأَيْدِينَا وَ ثِيَابِنَا - وَ نَحْنُ نُصَلِّي فِي ثِيَابِنَا - وَ نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَيْكَ جَوَابِكَ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ يَا سَيِّدِنَا - لَضُرُورَتِنَا فَكَتَبْنَا أَجْعَلْ ثَوْبًا لِلصَّلَاةِ ... (حر عاملی محمد بن حسن، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۱۷۳) محمد بن عیسی بن عبید از ابی القاسم صیقل و فرزندش نقل می کند و می گوید که به امام علیه السلام نامه نوشتند که ما قومی هستیم که شمشیر می سازیم و معیشت و تجارتی غیر از آن نداریم و به آن مضطربیم و علاج کار ما پوست مردار و حیوانات اهلی است که امکان استفاده از غیر آن را در کارمان نداریم آیا جایز است آن را استفاده کنیم و بخریم و بفروشیم و آن را لمس کنیم در حالی که به لباسمان برخورد می کند و ما با آن لباس نماز می خوانیم؟ حضرت علیه السلام در نامه ای پاسخ دادند که لباسی مخصوص نماز برای خود قرار دهید.

نحوه ی استدلال به روایت اینگونه است که سائل در نامه می پرسد (فیحل لنا عملها و شرائها و بیعها و مسها بایدینا) آیا کار کردن ، خرید و فروش آن برای ما جایز است؟ ولی امام در پاسخ به او به این جمله بسنده میکند که برای نماز خواندن لباس دیگری بپوشید پس یعنی ایشان جواز خرید و فروش را تقریر کرده اند و تقریر ایشان نشانه رضایت است ، زیرا امام در مقام بیان بوده اند و اگر پاسخ سوال سائل که درباره بیع مردار است چیزی نگویید تاخیر بیان از وقت حاجت پیش می آید که در شان معصوم علیه السلام نیست.



### ۳- جمع بین روایات مانعه و مجوزه

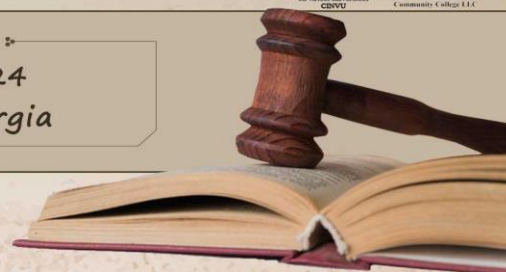
بنابر آنچه که تاکنون گفته شد مهم ترین دلیل بر حرمت معامله ی مردار، روایات خاصه ایست که در این باب وارد شده است و در تعارض با برخی روایات دیگر که دلالت بر جواز می کنند می باشند بنابراین مهم ترین و اساسی ترین کار در حل مسئله ی معاملات مردار حل تعارض موجود بین این اخبار خواهد بود که در دیدگاه فقیه نسبت به مسئله بسیار موثر خواهد بود.

#### ۳-۱- دیدگاه شیخ انصاری (ره)

شیخ انصاری در ابتدای بحث می فرماید که معاوضه مردار و اجزاء روح دار آن بنا بر نظر مشهور اصحاب جایز نیست و در کتاب تذکره و منتهی و التفتیح الرائح و از رهن الخلاف ادعای اجماع شده است بر حرمت معاوضه و علاوه بر اجماع منقوله ادله ی دیگری نیز بر حرمت معاوضه ی آن اقامه شده است که عبارت اند از حدیث تحف العقول و روایت دعائم الاسلام که دلالت بر حرمت اعیان نجس می کند و خبر ابن ابی المغیره که دلالت بر این دارد که میته انتفاعش جائز نیست به انضمام این مطلب که برای اینکه مبیع داخل در عموم نهی از اکل مال به باطل نشود باید منفعت مباحه داشته باشد علاوه بر اخبار خاصه که در آن ثمن میته سحت شمرده شده است که اینها ادله ی حرمت معامله ی مردار هستند. هر چند خبری داریم که ظهور در جواز معاوضه میته دارد که آن هم عبارت است از روایت صیقل که ایشان دلالت این روایت بر جواز معامله مردار را نمی پذیرد و بر استدلال به این روایت برای جواز معامله ی مردار دواشکال وارد می کند.

اشکال اول: اولاً باید گفت که سوال سائل درباره غلاف نبوده است چرا که ضمیر در عبارت (فیحل لنا عملها) به سیوف بر میگردد و سوال راوی درباره خرید و فروش شمشیر است یعنی راوی نمی خواهد بگوید هنگامی که ما شمشیر را به همراه غلاف یا غلاف ها را جداگانه می فروشیم و بخشی از ثمن در مقابل غلاف قرار می گیرد آیا این پول حلال است یا خیر؟ بنابراین غایت آنچه که روایت بر آن دلالت می کند جواز انتفاع به پوست و جلد مردار بابت ساخت غلاف شمشیر است که این هم با عدم جواز معاوضه ی آن به مال منافاتی ندارد. (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲)

اشکال دوم: بر فرض که این روایت دلالت بر جواز بیع مردار هم داشته باشد باید گفت دلالت آن از راه تقریر امام علیه السلام خواهد بود در حالی که نه تنها اصل کاشفیت تقریر از رضای معصوم محل تردید است بلکه در خصوص مورد این روایت به مراتب این کاشفیت دشوار تر است زیرا مورد، مکاتبه ای است که احتمال تقیه در آن بیشتر از سایر روایات است. (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳) اما در ادامه شیخ انصاری با آوردن عبارت لکن الانصاف حکم جواز معاوضه مردار را تقویت می کند البته در صورتی که انتفاع بجلد الميته جایز باشد به همین خاطر می فرماید انصاف این است که اگر قائل به جواز انتفاع محلله ی مقصوده از میته باشیم مجرد نجاست صلاحیت ندارد تا علت منع بیع باشد چون مانع، حرمت انتفاع در منافع مقصوده است نه مجرد نجاست، به همین خاطر اگر دلیل خاص قائم شود بر جواز انتفاع منفعه مقصوده به چیزی از نجاسات،



دیگر مانعی از صحت بیع وجود نخواهد داشت و روایات عامه و اجماع هم ظهور در این دارند که مانع از صحت بیع حرمت انتفاع است، از آنجا که در روایت تحف العقول هم منع از بیع نجس به اینکه اکل و شرب آن مورد نهی واقع شده است معلل شده است و مقتضای روایت دعائم الاسلام هم این است که جواز وعدم جواز بیع منوط به جواز انتفاع وعدم جواز انتفاع است و مرحوم ابن زهره هم در غنیه نجاست را از جهت عدم حلیت انتفاع به آن داخل در عنوان (ما لا یجوز بیعه) می کند و همچنین فخر المحققین و فاضل مقداد در التنقیح استدلال می کنند بر ممنوع بودن بیع نجس از آن جهت که انتفاع از آن حرام است به همین خاطر از کلام شیخ انصاری از بعد الانصاف برداشت می شود که ایشان قائل به جواز بیع جلد مردار می باشند. (رک، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱-۳۵)

۲-۳- دیدگاه محقق خوئی (ره)

محقق خوئی (ره) دو روش را برای جمع میان روایات مانعه و مجوزه پیشنهاد میکند که عبارت اند از:

روش اول) ایشان می فرماید که روایات مانعه ظهور در منع و حرمت معامله دارند، ولی روایات مجوزه نص و صریح در جواز هستند، از این رو از باب تقدیم نص بر ظاهر یا از باب تقدیم اظهر بر ظاهر باید روایات مجوزه را مقدم دانست و روایات مانعه که موافق با عامه می باشند راطرح کنیم چرا که عامه بر بطلان بیع مردار اتفاق دارند.

در نقد این روش می توان گفت دلالت روایت محمد بن عیسی از ابوالقاسم صیقل که مهم ترین روایت از روایات مجوزه بود از راه تقریر بود و هیچ نصی و صراحتی در آن وجود نداشت از آن سو اشکالاتی بر متن و سند این روایت وارد شده است و هر چند این اشکالات پاسخ داده شده ولی می شود گفت که این روایت صریح در جواز نیست، البته در میان روایات مجوزه غیر این روایت، روایت دیگری از امام سجاد (ع) است که در آن آمده است که گاهی حضرت کسی را به عراق می فرستاده تا از پوست های خوبی که در عراق به فروش می رسید و برای جلوگیری از سرما خوردگی سودمند بود برای ایشان تهیه کنند در حالی که در آن زمان در عراق پوست مردار زیاد بوده است و بسیاری از افراد مردار را دباغی می کردند و پوست آنها می فروختند پس اینکه حضرت از آن پوست ها تهیه می کردند نشانه جواز بیع مردار است هر چند ایشان هنگام نماز آن را در کنار می گذاشتند لیکن این روایت نیز صریح در جواز نیست زیرا بازار عراق سوق مسلمین بوده است و شاید امام بر اساس اعتماد به سوق مسلمین این کار کرده اند نه اینکه واقعا یقین داشته اند که پوست آورده شده مردار است و اینکه هنگام نماز خارج میکرده شاید از باب احتیاط بوده است، بنابراین روایتی که نص در جواز باشد نیافتیم.

۲) راه دومی که محقق خوئی برای رفع تعارض میان این روایات مطرح میکند این است که به قرینه روایات مجوزه که صریح در جواز هستند رفع ید از ظهور روایات مانعه شود و حمل بر کراهت شوند

اما به نظر می رسد که این روش هم درست نیست زیرا اگر لایبیها را بر کراهت حمل کنیم عبارت لایاکلها نیز باید بر کراهت حمل شود در حالی که حرمت اکل آن قطعی است.



در روایات همواره نهی نیست بلکه به صورت تواتراجمالی از ثمن مردار تعبیر سحت شده است و سحت را بر کراهت نمی توان حمل کرد چرا که ظهور اولی آن حرمت است .

در نهایت محقق خوئی روایات مانعه را به علت ضعف سند روایت مجوزه مقدم می داند و به حرمت معامله مردار فتوا می دهد لکن بیع مردار مختلط با مذکی به کسی که مردار را حلال می داند جایز است . (در نهایت ایشان فتوا می دهند که بیع مردار حرام است مگر به کسی که آن را حلال می داند ، مانند اهل کتاب که مردار و گوشت آن را حلال می دانند. (رک، خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۷، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۷۱)

۳-۳- دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی نه مسئله نص و ظاهر را مطرح می کند و نه مسئله کراهت را، بلکه ایشان معتقد است روایات مجوزه، روایات مانعه را تخصیص می زند چرا که روایات مانعه هم شامل مواردی می شوند که معامله به قصد حرام صورت گیرد و هم شامل مواردی که معامله به قصد منفعت حلال است در حالی که روایات مجوزه فقط مربوط به معامله ایست که به قصد انتفاع حلال منعقد شود .

ایشان برای اثبات مدعای خود می فرماید از مکاتبه صیقل که همان صحیح محمد بن عیسی است استفاده می شود که بیع مردار اگر به قصد انتفاع محلل باشد اشکال ندارد، زیرا سائل نوشته است که ما پوست مردار را می خریم و به وسیله آن غلاف شمشیر درست می کنیم و می فروشیم و امام نیز این عمل وی را تقریر فرموده اند پس معلوم می شود خرید و فروش پوست مردار به قصد غلاف سازی که منفعت محلل است مانعی ندارد.

با توجه به این مطلب، روایت صیقل می تواند روایات ثمن المیته سحت را تخصیص بزند بر اساس این روایت خواهیم گفت که سحت بودن ثمن مردار فقط در جایی است که منفعت محلل قصد نشده باشد علاوه بر این می شود در این روایت از پوست مردار الاغ و قاطر الغای خصوصیت کرد، از غلاف سازی نیز می توان الغای خصوصیت کرد و عرف نیز با این الغاء خصوصیت مساعد است بنابراین جمع این روایت و روایات مانعه بدین گونه است که بگوئیم هر موردی که انتفاع از آن جایز باشد یعنی منفعت محلله مقصوده داشته باشد، بیع آن نیز جایز است اما در صورتی که برای اکل و یا اموری که منفعت آن جایز نباشد فروخته شود بیع آن حرام و باطل خواهد بود. (رک، خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۳، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۸۴)





#### ۴- نتیجه

یکی از مسائل مطرح در میان مباحث مکاسب محرّمه حکم معاملات مردار و اجزاء روح دار آن می باشد که در این مقاله مورد بررسی واقع گردید، ادله ای که برای حرمت و بطلان معاملات مردار اقامه شده است عبارت بود از شهرت و اجماع منقول که بیان گردید به عنوان دلیل مستقل قابل استناد نخواهد بود، دلیل دیگر در مسئله روایات عامه ی داله بر حرمت بود که بیان شد تنها مرحوم شیخ انصاری سند این روایات را قبول داشته اما امام خمینی و محقق خوئی سند آنها را مخدوش می دانند و دلیل حرمت معامله ی مردار به خاطر حرمت انتفاع از آن نیز بیان گردید که شیخ انصاری و امام خمینی آن را نپذیرفتند و محقق خوئی نیز مالیت عوضین را شرط در معاملات نمی داند اما عمده دلیل بر حرمت و بطلان معامله مردار روایات دال بر حرمت بیع می باشد که مورد تعارض با ادله ی جواز معامله ی مردار که مهمترین آنها روایت صیقل می باشد، هستند که شیخ انصاری دلالت آن بر جواز را زیر سوال می برد و امام خمینی نیز آنرا مخصّص ادله ی حرمت می داند کما اینکه محقق خوئی به علت ضعف سند روایات مجوزّه قائل به حرمت معامله ی مردار می شود.



## مراجع

- ١) قرآن كريم
- ٢) علامه حلي حسن بن يوسف. ١٤١٤. تذكرة الفقهاء (ط الحديث: الطهارة إلى الجعالة). قم - ايران: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
- ٣) فاضل مقداد مقداد بن عبد الله. ١٤٠٤. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم - ايران: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
- ٤) انصاري مرتضى بن محمد امين. ١٤١٥. المكاسب (انصاري - كنگره). قم - ايران: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري. الأمانة العامة
- ٥) منافي، سيد حسين. ١٣٩٩، مباني اصولي شيخ اعظم انصاري (برگرفته از آثار فقهي واصولي ايشان)، مركز فقهي ائمه اطهار عليهم السلام، قم
- ٦) خميني، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. ١٣٧٣. المكاسب المحرمة. قم - ايران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س).
- ٧) خوئی سيد ابوالقاسم. ١٤١٨. موسوعة الإمام الخوئی. قم - ايران: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
- ٨) علامه حلي حسن بن يوسف. ١٤١٤. تذكرة الفقهاء (ط الحديث: الطهارة إلى الجعالة). قم - ايران: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- ٩) حر عاملی محمد بن حسن. ١٤١٦. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة.. قم - ايران: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- ١٠) خوئی، سيد ابوالقاسم، ١٤١٧، مصباح الفقاهه، قم - ايران: مؤسسه انصاريان